

لایحه بودجه ۱۴۰۵ چرا باید رد می‌شد؟



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

رد کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ در کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی نباید به منزله تقابل مجلس با دولت یا بن‌بست و کارشکنی تلقی شود، زیرا این اقدام در واقع پاسخی به مجموعه‌ای از کاستی‌های ساختاری، ابهامات حقوقی و ناسازگاری‌های اقتصادی بود که در متن لایحه به چشم می‌خورد، به همین منظور مجلس تأکید دارد باید در راستای تأمین منافع عمومی حرکت کرد، یعنی آنکه بودجه سالانه مهم‌ترین سند مالی کشور محسوب می‌شود و نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به سیاست‌های اقتصادی، تنظیم سیاست مالی دولت و تأثیرگذاری مستقیم بر معیشت مردم ایفا می‌کند، بنابراین طبیعی است هنگامی که چنین سندی فاقد شفافیت، انسجام و پایبندی به قوانین بالادستی باشد، رد آن برای اصلاح کردن، ضرورتی عقلانی و قانونی تلقی می‌شود.

بررسی‌های اولیه انجام‌شده بر لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ و تطبیق ارقام پیشنهادی در عملکرد سال جاری و تفریع بودجه سال‌های گذشته، نشان‌دهنده شکاف معنادار میان واقعیت‌های مالی کشور و برآوردهای درج‌شده در متن لایحه است. تجربه‌های پیشین به‌روشنی اثبات کرده است اتکا به منابع خوش بینانه و غیرقابل تحقق، زمینه‌ساز شکل‌گیری کسری‌های پنهان می‌شود که در نهایت از مسیرهای پر هزینه‌تری جبران خواهد شد. بودجه‌ای که قرار است مبنای تصمیم‌گیری اقتصادی قرار گیرد، باید از قابلیت اتکای آماری و انطباق با واقعیات موجود برخوردار باشد و نبود این ویژگی، اعتبار آن را به شدت تضعیف می‌کند.

یکی از برجسته‌ترین ایرادات وارد بر لایحه، خارج کردن بخش قابل توجهی از منابع و مصارف بودجه عمومی تحت عنوان سازوکارهای موسوم به جمعی‌خرجی است. این اقدام بدون رعایت الزامات قانونی و اصول صریح قانون اساسی انجام‌شده و عملاً اصل تمرکز منابع و مصارف در بودجه عمومی را مخدوش ساخته است. هنگامی که رقم بزرگی از گردش مالی کشور خارج از چارچوب شفاف بودجه تعریف می‌شود، امکان ردیابی، نظارت و پاسخگویی به حداقل می‌رسد و همین مسئله، زمینه‌تلقاوت نرخ ارز، بدون ارائه توضیح شفاف و مستند، ابهامی جدی در منابع بودجه ایجاد کرده و امکان ارزیابی آثار واقعی آن بر تراز مالی کشور را دشوار ساخته است.

ثبات روبه در تدوین بودجه بشرط لازم برای مقایسه‌پذیری و اعمال نظارت موثر است، اما لایحه بودجه ۱۴۰۵ با تغییر در شیوه ارائه ارقام و جابه‌جایی ردیف‌ها، این اصل را نادیده گرفته است. هنگامی که ساختار بودجه هر سال دچار تغییرات غیرقابل توجیه می‌شود، ارزیابی عملکرد و سنجش میزان تحقق اهداف اعلامی عملاً ناممکن خواهد شد. چنین رویکردی به‌طور طبیعی جایگاه نظارتی و نقد مخته را تضعیف و بخشی از اختیارات قانونی آن را به مجری منتقل می‌کند.

مسئله کسری بودجه در لایحه پیشنهادی به شیوه‌ای نگران‌کننده مدیریت شده است. افزایش برداشت از منابع بین‌المللی و سکنش‌ش انتشار اوراق مالی اسلامی، بدون اصلاح جدی در ساختار هزینه‌ها، نشان می‌دهد کسری واقعی بودجه مهار نشده است. این روش تأمین مالی، هزینه‌های امروز را به آینده منتقل می‌کند و پیامدهای آن در قالب تورم، افزایش بدهی عمومی و کاهش ثبات اقتصادی بروز خواهد کرد. چنین پیامدهایی در نهایت مستقیماً معیشت مردم را تحت تأثیر می‌گذارد. همچنین افزایش بیهای کالاها و خدمات از طریق افزودن ۲درصد به نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده، در کنار بی‌توجهی به نرخ واقعی تورم در تعیین میزان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان، فشار مضاعفی بر قدرت خرید خانوارها وارد می‌کند. هنگامی که درآمد اسمی با رشد هزینه‌های زندگی هم‌راستا نباشد، کاهش سطح رفاه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این وضعیت به‌ویژه برای اقشار حقوق‌بگیر و ثابت‌درآمد، آثار سنگین‌تری به همراه دارد و می‌تواند نارضایتی‌های اجتماعی را تشدید کند.

در لایحه بودجه ۱۴۰۵، پیش‌بینی روشنی برای جبران این فشارها از طریق بسته‌های حمایتی هدفمند مشاهده نمی‌شود. نبود برنامه‌ای جامع و شفاف برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، نشان‌دهنده غفلت از پیامدهای اجتماعی تصمیم‌های مالی است. بودجه‌ای که قرار است ابزار تحقق عدالت اقتصادی باشد، نمی‌تواند نسبت به تعمیق شکاف معیشتی بی‌تفاوت باقی بماند و این خلأ، یکی از نقاط ضعف جدی لایحه محسوب می‌شود.

وابستگی بودجه به منابع نفتی نیز با وجود ادعای کاهش، در عمل همچنان پابرجاست. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد سهم واقعی نفت در تأمین منابع بودجه به‌مراتب بیش از رقم اعلام‌شده است و این وابستگی از طریق انتقال منابع به سرفصل‌های کم‌شفاف و سازوکارهای فرابودجه‌ای پنهان شده است. چنین رویکردی، اصل جامعیت بودجه را نقض می‌کند و امکان نظارت دقیق را محدود می‌سازد. پنهان‌سازی وابستگی به درآمدهای ناپایدار، تصمیم‌گیری اقتصادی را بر پایه تصویری ناقص از واقعیت بنا می‌کند.

یصادآوری این نکته نیز ضروری است که رد کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ را نباید در چارچوب مح‌گیری سیاسی یا ایجاد مانع در مسیر اداره کشور تفسیر کرد. چنین برداشتی، ساده‌سازی یک تصمیم تخصصی و تقلیل آن به سطح منازعات روزمره است، در حالی که ماهیت این اقدام، ریشه در وظیفه ذاتی نهاد قانونگذار برای صیانت از منافع عمومی و تضمین سلامت تصمیم‌گیری مالی دارد. بودجه‌ریزی، عرصه آزمون حسن‌نیت‌ها یا محل تسویه‌حساب‌های جناحی نیست، بلکه فرایندی فنی، مبتنی بر داده‌های دقیق و متکی بر تحلیل‌های واقع‌گرایانه محسوب می‌شود.

وقتی لایحه‌ای با ابهام‌های آماری، تغییرات غیرشفاف در ساختار ارقام و فاصله محسوس با عملکردهای گذشته ارائه می‌شود، پذیرش آن بدون اصلاح، به معنای چشم‌پوشی از اصول بدیهی حکمرانی مالی خواهد بود. رد کلیات در چنین شرایطی، ابزاری قانونی برای بازگرداندن لایحه به مسیر صحیح تلقی می‌شود. این اقدام یادآور آن است که بودجه باید بر مبنای اطلاعات صحیح، قابل‌راستی‌ارزایی و منطبق با واقعیت‌های اقتصادی تدوین شود، نه بر پایه برآوردهایی که تحت‌الحمایه محسوب می‌شود.

از منظر منافع عمومی نیز حساسیت نسبت به محتوای بودجه اهمیتی دوچندان دارد. ارقامی که در جداول بودجه درج می‌شود، در نهایت به تصمیمی منجر خواهد شد که بر زندگی روزمره مردم اثر می‌گذارد، بنابراین نظارت دقیق بر این اقدام، به معنای دفاع از حقوق شهروندان و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های پنهان به جامعه است. رد کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ را باید نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری و تأکید بر این اصل دانست که بودجه، ابزار تأمین منافع عمومی است.

تشکیل جلسه فوری تیم اقتصادی دولت درباره ارز و معیشت

عجب «همتی» با چک برگشتی



حامد کمپورانسیم

یک مسئول دولتی از احتمال زیاد پذیرش استعقای فرزین و جایگزینی عبدالناصر همتی

در بانک مرکزی خبر داد. همتی، وزیر پیشین اقتصاد دولت چهاردهم بود که فقط چند ماه پس از آغاز به کار دولت به علت ناتوانی در کنترل بازار ارز استیضاح شد، و از وزارت کنار رفت. او در سال ۹۷ که رئیس بانک مرکزی بود وقتی دلار ۱۳ تومان شد گفته بود «عوامل فاندامنرال، دلار ۱۳ تومانی را بر نمی‌تابد و دلار به ۱۱ تومان بازمی‌گردد». آیا اکنون اگر دوباره رئیس شود می‌تواند با عوامل فاندامنرال

دلار ۱۴۰ تومانی و ۷۰ تومان کند؟ یعنی ارائه ارقام و جابه‌جایی ردیف‌ها، این اصل را نادیده گرفته است. هنگامی که ساختار بودجه هر سال دچار تغییرات غیرقابل توجیه می‌شود، ارزیابی عملکرد و سنجش میزان تحقق اهداف اعلامی عملاً ناممکن خواهد شد. چنین رویکردی به‌طور طبیعی جایگاه نظارتی و نقد مخته را تضعیف و بخشی از اختیارات قانونی آن را به مجری منتقل می‌کند.

مسئله کسری بودجه در لایحه پیشنهادی به شیوه‌ای نگران‌کننده مدیریت شده است. افزایش برداشت از منابع بین‌المللی و سکنش‌ش انتشار اوراق مالی اسلامی، بدون اصلاح جدی در ساختار هزینه‌ها، نشان می‌دهد کسری واقعی بودجه مهار نشده است. این روش تأمین مالی، هزینه‌های امروز را به آینده منتقل می‌کند و پیامدهای آن در قالب تورم، افزایش بدهی عمومی و کاهش ثبات اقتصادی بروز خواهد کرد. چنین پیامدهایی در نهایت مستقیماً معیشت مردم را تحت تأثیر می‌گذارد. همچنین افزایش بیهای کالاها و خدمات از طریق افزودن ۲درصد به نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده، در کنار بی‌توجهی به نرخ واقعی تورم در تعیین میزان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان، فشار مضاعفی بر قدرت خرید خانوارها وارد می‌کند. هنگامی که درآمد اسمی با رشد هزینه‌های زندگی هم‌راستا نباشد، کاهش سطح رفاه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این وضعیت به‌ویژه برای اقشار حقوق‌بگیر و ثابت‌درآمد، آثار سنگین‌تری به همراه دارد و می‌تواند نارضایتی‌های اجتماعی را تشدید کند.

در لایحه بودجه ۱۴۰۵، پیش‌بینی روشنی برای جبران این فشارها از طریق بسته‌های حمایتی هدفمند مشاهده نمی‌شود. نبود برنامه‌ای جامع و شفاف برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، نشان‌دهنده غفلت از پیامدهای اجتماعی تصمیم‌های مالی است. بودجه‌ای که قرار است ابزار تحقق عدالت اقتصادی باشد، نمی‌تواند نسبت به تعمیق شکاف معیشتی بی‌تفاوت باقی بماند و این خلأ، یکی از نقاط ضعف جدی لایحه محسوب می‌شود.

وابستگی بودجه به منابع نفتی نیز با وجود ادعای کاهش، در عمل همچنان پابرجاست. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد سهم واقعی نفت در تأمین منابع بودجه به‌مراتب بیش از رقم اعلام‌شده است و این وابستگی از طریق انتقال منابع به سرفصل‌های کم‌شفاف و سازوکارهای فرابودجه‌ای پنهان شده است. چنین رویکردی، اصل جامعیت بودجه را نقض می‌کند و امکان نظارت دقیق را محدود می‌سازد. پنهان‌سازی وابستگی به درآمدهای ناپایدار، تصمیم‌گیری اقتصادی را بر پایه تصویری ناقص از واقعیت بنا می‌کند.

یصادآوری این نکته نیز ضروری است که رد کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ را نباید در چارچوب مح‌گیری سیاسی یا ایجاد مانع در مسیر اداره کشور تفسیر کرد. چنین برداشتی، ساده‌سازی یک تصمیم تخصصی و تقلیل آن به سطح منازعات روزمره است، در حالی که ماهیت این اقدام، ریشه در وظیفه ذاتی نهاد قانونگذار برای صیانت از منافع عمومی و تضمین سلامت تصمیم‌گیری مالی دارد. بودجه‌ریزی، عرصه آزمون حسن‌نیت‌ها یا محل تسویه‌حساب‌های جناحی نیست، بلکه فرایندی فنی، مبتنی بر داده‌های دقیق و متکی بر تحلیل‌های واقع‌گرایانه محسوب می‌شود.

وقتی لایحه‌ای با ابهام‌های آماری، تغییرات غیرشفاف در ساختار ارقام و فاصله محسوس با عملکردهای گذشته ارائه می‌شود، پذیرش آن بدون اصلاح، به معنای چشم‌پوشی از اصول بدیهی حکمرانی مالی خواهد بود. رد کلیات در چنین شرایطی، ابزاری قانونی برای بازگرداندن لایحه به مسیر صحیح تلقی می‌شود. این اقدام یادآور آن است که بودجه باید بر مبنای اطلاعات صحیح، قابل‌راستی‌ارزایی و منطبق با واقعیت‌های اقتصادی تدوین شود، نه بر پایه برآوردهایی که تحت‌الحمایه محسوب می‌شود.

از چند ماه گذشته که کمبود کالاهای اساسی

در بازار جدی و قیمت اقام سفره مردم روزبه‌روز گران تر شد، مسئولان مدعی این‌که دامن وضعیت حاصل تشدید تحریم‌ها و آثار جنگ ۱۲ روزه است، اما با اعتراضات واردکنندگان نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی و همچنین اعتراض دامداران و مرغداران مشخص شد دولت در بحث واردات کالاهای اساسی با کمبود ارز مواجه شده است و پول آن را تحویل

بانک مرکزی بر کار گران‌ی که خودشان انتخاب کرده‌اند، برمی‌گردد.

تا همین چند ماه پیش، این نظارت و حساب‌کشی از قدرت و اثربخشی بالاتری برخوردار بود اما در چند ماه اخیر تغییراتی ایجاد شده که این نظارت‌ها هم کم‌رنگ‌تر شده است و شرکت‌های تراستی و صرافی‌ها، خود را ملزم به پاسخگویی برای تحویل ارز حاصل از فروش فاندامنرال، دلار ۱۳ تومانی را بر نمی‌تابد و دلار به ۱۱ تومان بازمی‌گردد». آیا اکنون اگر دوباره رئیس شود می‌تواند با عوامل فاندامنرال

دلار ۱۴۰ تومانی و ۷۰ تومان کند؟ یعنی ارائه ارقام و جابه‌جایی ردیف‌ها، این اصل را نادیده گرفته است. هنگامی که ساختار بودجه هر سال دچار تغییرات غیرقابل توجیه می‌شود، ارزیابی عملکرد و سنجش میزان تحقق اهداف اعلامی عملاً ناممکن خواهد شد. چنین رویکردی به‌طور طبیعی جایگاه نظارتی و نقد مخته را تضعیف و بخشی از اختیارات قانونی آن را به مجری منتقل می‌کند.

مسئله کسری بودجه در لایحه پیشنهادی به شیوه‌ای نگران‌کننده مدیریت شده است. افزایش برداشت از منابع بین‌المللی و سکنش‌ش انتشار اوراق مالی اسلامی، بدون اصلاح جدی در ساختار هزینه‌ها، نشان می‌دهد کسری واقعی بودجه مهار نشده است. این روش تأمین مالی، هزینه‌های امروز را به آینده منتقل می‌کند و پیامدهای آن در قالب تورم، افزایش بدهی عمومی و کاهش ثبات اقتصادی بروز خواهد کرد. چنین پیامدهایی در نهایت مستقیماً معیشت مردم را تحت تأثیر می‌گذارد. همچنین افزایش بیهای کالاها و خدمات از طریق افزودن ۲درصد به نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده، در کنار بی‌توجهی به نرخ واقعی تورم در تعیین میزان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان، فشار مضاعفی بر قدرت خرید خانوارها وارد می‌کند. هنگامی که درآمد اسمی با رشد هزینه‌های زندگی هم‌راستا نباشد، کاهش سطح رفاه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این وضعیت به‌ویژه برای اقشار حقوق‌بگیر و ثابت‌درآمد، آثار سنگین‌تری به همراه دارد و می‌تواند نارضایتی‌های اجتماعی را تشدید کند.

در لایحه بودجه ۱۴۰۵، پیش‌بینی روشنی برای جبران این فشارها از طریق بسته‌های حمایتی هدفمند مشاهده نمی‌شود. نبود برنامه‌ای جامع و شفاف برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، نشان‌دهنده غفلت از پیامدهای اجتماعی تصمیم‌های مالی است. بودجه‌ای که قرار است ابزار تحقق عدالت اقتصادی باشد، نمی‌تواند نسبت به تعمیق شکاف معیشتی بی‌تفاوت باقی بماند و این خلأ، یکی از نقاط ضعف جدی لایحه محسوب می‌شود.

وابستگی بودجه به منابع نفتی نیز با وجود ادعای کاهش، در عمل همچنان پابرجاست. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد سهم واقعی نفت در تأمین منابع بودجه به‌مراتب بیش از رقم اعلام‌شده است و این وابستگی از طریق انتقال منابع به سرفصل‌های کم‌شفاف و سازوکارهای فرابودجه‌ای پنهان شده است. چنین رویکردی، اصل جامعیت بودجه را نقض می‌کند و امکان نظارت دقیق را محدود می‌سازد. پنهان‌سازی وابستگی به درآمدهای ناپایدار، تصمیم‌گیری اقتصادی را بر پایه تصویری ناقص از واقعیت بنا می‌کند.

یصادآوری این نکته نیز ضروری است که رد کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ را نباید در چارچوب مح‌گیری سیاسی یا ایجاد مانع در مسیر اداره کشور تفسیر کرد. چنین برداشتی، ساده‌سازی یک تصمیم تخصصی و تقلیل آن به سطح منازعات روزمره است، در حالی که ماهیت این اقدام، ریشه در وظیفه ذاتی نهاد قانونگذار برای صیانت از منافع عمومی و تضمین سلامت تصمیم‌گیری مالی دارد. بودجه‌ریزی، عرصه آزمون حسن‌نیت‌ها یا محل تسویه‌حساب‌های جناحی نیست، بلکه فرایندی فنی، مبتنی بر داده‌های دقیق و متکی بر تحلیل‌های واقع‌گرایانه محسوب می‌شود.

وقتی لایحه‌ای با ابهام‌های آماری، تغییرات غیرشفاف در ساختار ارقام و فاصله محسوس با عملکردهای گذشته ارائه می‌شود، پذیرش آن بدون اصلاح، به معنای چشم‌پوشی از اصول بدیهی حکمرانی مالی خواهد بود. رد کلیات در چنین شرایطی، ابزاری قانونی برای بازگرداندن لایحه به مسیر صحیح تلقی می‌شود. این اقدام یادآور آن است که بودجه باید بر مبنای اطلاعات صحیح، قابل‌راستی‌ارزایی و منطبق با واقعیت‌های اقتصادی تدوین شود، نه بر پایه برآوردهایی که تحت‌الحمایه محسوب می‌شود.

از چند ماه گذشته که کمبود کالاهای اساسی

روزنامه جوان | شماره ۲۵۸۹ |

۹ رجب ۱۴۴۷ |

متولی مطلع از تعداد تراستی‌ها و مبالغ کلان ارز رسوب کرده نزد آنها، چرا اقدام درخور توجهی انجام نمی‌دهند؟ طبق قانون، بانک مرکزی مدیریت موضوع ارز را بر عهده دارد و نمی‌تواند در این موضوع از خود رفع مسئولیت کند. ما وقتی میزان تراستی‌های رسوب کرده را از بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و وزارت نفت پیگیری می‌کنیم، با این پاسخ روبه‌رو می‌شویم که اطلاعی در این‌زمینه نداریم، چنانچه متولیان مربوط نمی‌توانند در این خصوص اقدامی انجام دهند، اجازه دهند سایر دستگاه‌های نظارتی به موضوع ورود کنند. متأسفانه متولیان امر در این زمینه، مصوباتی را از برخی هیئت‌ها دریافت می‌کنند و طبق آنها، اجازه نمی‌دهند دستگاه‌های نظارتی به این مقوله ورود کنند.

تشکیل جلسه هماهنگی تیم اقتصادی دولت

مدیر روابط عمومی بانک مرکزی می‌گوید: پیرو تأکید رئیس‌جمهور محترم و در راستای جلسات اخیر هماهنگی تیم اقتصادی دولت در خصوص سیاست‌های ارزی، تجاری و معیشتی مردم، بعد از ظهر روز دوشنبه ادامه این جلسات در بانک مرکزی بر گزار شد. نتایج حاصل از این جلسات به زودی در دولت جمع‌بندی و اطلاع‌رسانی می‌شود.

ریزش ۱۰میلیون تومانی سکه تمام نسبت به سقف قیمتی

بازار طلا و سکه ایران در معاملات روز گذشته، تحت تأثیر هم‌زمان اصلاح سسنگین قیمت جهانی طلا، نقره و عقب‌نشینی دلار آزاد از سقف‌های دیروز، وارد فاز کاهش شد. ریزش روز گذشته از حدود ساعت ۱۱ صبح، ریزش قیمت دلار و سکه آغاز شد. طلای ۱۸ عیار و سکه تمام به ترتیب با کاهش حدود یک و ۱۰ میلیون تومانی به ترتیب ۱۵ میلیون و ۲۴۸ و ۱۶۰ میلیون و ۱۴۰ هزار تومان دادوستد شدند. در بازار ارز، دلار آزاد که در معاملات روز یک‌شنبه با جهش هیجانی تا سطح ۱۹۴۴ هزار و ۵۰۰ تومان صعود کرده بود، دیروز با عقیقه‌داز این قله، در محدوده ۱۹۴ هزار و ۲۰۰ تومان معامله شد. این کاهش بیش از ۹ هزار تومانی دلار، یکی از عوامل اصلی فشار بر قیمت‌های داخلی طلا و سکه بود.

در بازارهای جهانی نیز اونس طلا با سقوط حدود ۵۵۰ دلار از رکورد تاریخی ۴ هزار و ۵۵۰ دلار عقب نشست و به محدوده ۴ هزار و ۴۷۰ دلار رسید؛ افتی که در نتیجه سودگیری معامله‌گران و افزایش خوش‌بینی نسبت به مذاکرات صلح اوکراین رقم خورد. هم‌زمان نقره جهانی نیز با ریزش بیش از ۴ درصدی از قله ۵۸۶ دلار ی فاصله گرفت و به حوالی ۷۶ دلار عقب نشست. برآیند این نوسانات، فضای بازار داخلی را از هیجان صعودی خالی و قیمت‌ها را وارد مسیر اصلاح کرد.

چگونه شبکه تراستی‌ها بازار ارز را قفل کرده است؟

همایون علی‌اکبری، کارشناس اقتصادی با اشاره به رسوب منابع ارزی کشور در حساب تراستی‌ها گفت: مهم‌ترین عامل وضعیت کنونی بازار ارز، رسوب حدود ۷ میلیارد دلار از منابع ارزی ایران در اختیار تراستی‌های فعال در بازار درهم است. این منابع به دلیل نبود نرخ ارز واردات و کاهش منابع مداخله‌ای، عملاً توان مدیریت مؤثر بازار را از دست می‌دهد. توقف تسویه کالا با طلا در ماه‌های اخیر و توقف توقف تسویه بخشی از صادرات ارزی با طلا، این ننگ‌های ارزی را تشدید کرده و دسترسی کشور به ابزارهای جایگزین تأمین ارز را محدودتر ساخته است.

علی‌اکبری ادامه داد: در چنین شرایطی، بانک مرکزی به دلیل تشدید نرخ ارز واردات و کاهش منابع مداخله‌ای، عملاً توان مدیریت مؤثر بازار را از دست می‌دهد. توقف تسویه کالا با طلا در ماه‌های اخیر و توقف توقف تسویه بخشی از صادرات ارزی با طلا، این ننگ‌های ارزی را تشدید کرده و دسترسی کشور به ابزارهای جایگزین تأمین ارز را محدودتر ساخته است. وی تصریح کرد: کاهش وابستگی به درهم در تجارت خارجی، یک راهکار کلیدی و ضروری است. تا زمانی که تجارت ایران با چین و سایر شرکای اصلی از مسیر تراستی‌های درهمی و شبکه مالی امارات عبور کند، بی‌ثباتی ارزی تداوم خواهد داشت. قطع دست تراستی‌ها، اجرای واقعی توقافات پولی دوجانبه، تسویه مستقیم با یوان و تنوع‌بخشی به ارزهای مورد استفاده در تجارت خارجی، مجموعه اقداماتی است که می‌تواند اقتصاد ایران را از وابستگی بررپسک به درهم خارج کند.

این کارشناس اقتصادی گفت: وابستگی شدید به درهم برای بانک مرکزی، به ویژه در شرایط تحریر به یک ارز خاص، به‌ویژه درهم امارات، یکی از نقاط ضعف ساختاری اقتصاد ایران است. هر چند فاصله گرفتن از درهم از منظر اجرایی کار ساده‌ای نیست، اما به مجموعه به‌دست اقدام کشور خواهد بود و باید به‌صورت تدریجی اما هدفمند دنبال شود تا تجارت خارجی ایران از یک گلوگاه پر هزینه و آسیب‌پذیر رها شود.

دسته‌کل تراستی‌های «یوآن – درهم»

نظام بانکی به جای تضعیف درهم وابستگی به درهم را با تراستی‌ها تشدید کرده است

مجموعه اقدامات نظام بانکی از تثبیت نرخ ارز واردات در ۷۰هزار تومان و تخلیه منابع ارزی کشور تا کاهش نیافتن وابستگی به شبکه تراستی‌های یوآن – درهم در کنار رسوب ۷میلیارد دلاری منابع ارزی کشور در جیب تراستی‌ها و همچنین اختلال در تجارت خارجی کشور با سازوکار غلط تخصیص ارز به خصوص کاهش نیافتن وابستگی به درهم هنگامی عواملی هستند که امروز شاهد این وضعیت بازار ارز و طلا در کشور هستیم. ■ ■ ■

نظام بانکی که مسئول اصلی بازار ارز و طلا کشور است، طبق قانون جدید بانک مرکزی، در ماه‌های ابتدایی سال جاری با تثبیت نرخ ارز واردات روی ۷۰هزار تومان و آریبتر از بالا بین نرخ ارز وارداتی با نرخ ارز آزاد، به تقویت جریان واردات دامن زد و همین موضوع موجب صفوف طولانی برای واردات شد، در کنار این موضوع نظام بانکی به جای حذف تراستی‌ها و ارتباط مستقیم بین تجار ایرانی و چینی، شبکه یوآن – درهم را نه تنها تضعیف نکرده بلکه آن را تقویت کرده است و با وجود اینکه بخش عمده واردات ما از چین صورت می‌پذیرد ولی به دلیل کاهش نیافتن وابستگی به درهم و عدم‌اجرای توافق دوجانبه بین بانک مرکزی ایران و بانک مرکزی جمهوری خلق چین، کالاهای چینی یک بار به بنادر امارات و از آنجا به بنادر ما می‌آیند و به این ترتیب هزینه تجارت چندبرابر مضاعف خواهد شد.

۷میلیارد دلار منابع کشور در جیب تراستی‌ها

مهم ترین دلیل وضعیت فعلی بازار ارز کشور، رسوب ۷میلیارد دلاری منابع ارزی کشور در دست تراستی‌های فعال در بازار درهم است که همین مسئله موجب شده منابع ارزی لازم برای تاجر با پایان سال مالی دلار ی یوآنی فراهم نشود و همه تقاضای تأمین ارز به سمت ارز بازار آزاد رفته است و عملاً بانک مرکزی ارزی برای مداخله به دلیل تثبیت نرخ ارز واردات و همچنین باقی ماندن منابع ارزی در دست تراستی‌های یوآن – درهم و تسویه کالا با طلا نیز در ماه‌های اخیر متوقف و در کنار این دلایل نیز توقف تسویه نفت با طلا نیز مزید بر علت شده است تا کشور در زمینه تجارت خارجی با مشکل مواجه شود. نکته اساسی این است که چرا سیاستگذار پولی کشور باید تا این حد در سیاست‌های تجاری کشور دخالت کند و به این شکل بازار را به هم برزند.

در طرف تقاضای بازار ارز و طلا نیز بانک‌های دولتی و خصوصی با حداکثر توان در حال خلق پول برای اشخاص خاص و زیرمجموعه‌های خود و اعطای وام بانکی به آنها هستند تا به این ترتیب، تقاضای ارز از محل رشد نقدینگی غیرمولد و غیرمعیار بانک‌های خصوصی و غیردولتی نیز تشدید شود و این وضعیت نیز در سکوت و عدم‌نظارت بانک مرکزی رقم خورده است!

نکته بعدی سازوکار غلط تخصیص ارز است؛ با این سازوکار غلط تخصیص ارز در کشور، واردکننده باید یک بار هنگام خرید کالا، ارز را از بازار خریداری و یک بار هم برای خرید ارز تخصیص یافته از طرف بانک مرکزی، ارز را خریداری کند. یکی از مواردی که اختلال جدی در مبادلات کشور ایجاد کرده الزام واردکنندگان به ثبت سفارش و لزوم مشخص بودن مدارک برای دریافت ارز است. در این اساس هر واردکننده تنها در صورتی می‌تواند کالایی را وارد کند که منشأ ارزی که با آن کالا تهیه کرده است، مشخص باشد، اما از آنجا که بانک مرکزی ارز در خواستی تاجر را مورد بررسی نمی‌دهد که گاهی بیش از شش ماه طول می‌کشد، تاجر از وارد ارز برای تسویه واردات و برای تسویه باقی بدهی در طرف خارجی می‌پردازد. وقتی کالا به کشور رسید، تا زمانی که ارز بانک مرکزی تخصیص نیافته کالا در گمرک می‌ماند و پس از تخصیص امکان ترخیص کالا خواهد بود. یکی از مشکلاتی که این سازوکار برای تاجر ایجاد می‌کند این است که در زمان تخصیص، تاجر باید پول مضاعفی داشته باشد تا بتواند ارز بانک مرکزی را بخرد و سپس کالا را ترخیص کند.

تشدید وابستگی تجارت خارجی ایران به درهم

ارسال نامحسوس، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» پیرامون لزوم تقویت مقرری سیاست‌های ارزی کشور با اشاره به وضعیت این روزه‌های بازار ارز و طلا در کشور گفت: افزایش قیمت ارز در بازار آزاد رانمی‌توان به یک عامل یا یک شوک مقطعی نسبت داد. آنچه امروز در بازار ارز کشور مشاهده می‌شود، حاصل برهم‌کش مجموعه‌ای از تصمیمات نادرست در سیاستگذاری ارزی، مداخلات غیر ضروری در تجارت خارجی، ضعف نظارت بر شبکه بانکی و استمرار سازوکارهای معیوبی است که در نهایت به کاهش عرضه مؤثر ارز و تشدید تقاضای غیرمولد منجر شده است. در این میان، نقش بانک مرکزی به‌عنوان مسئول منابع بازار ارز و طلا، نقشی تعیین‌کننده و در عین حال محال پرشش جدی است.

وی در ادامه افزود: در ماه‌های ابتدایی سال جاری، بانک مرکزی با تثبیت نرخ ارز واردات در محدوده‌های نزدیک به ۷۰ هزار تومان، عملاً شکاف قابل توجهی میان نرخ ارز تخصیصی به واردات و نرخ بازار آزاد ایجاد کرد. این شکاف، یک آریبتر از جذاب و کم‌ریسک را شکل داد که نتیجه طبیعی آن، هجوم تقاضا برای واردات بود. در چنین شرایطی، به جای آنکه منابع ارزی کشور به سمت تقویت صادرات، بازگشت از حاصل از صادرات و تأمین نیازهای واقعی اقتصاد هدایت شود، جریان واردات به‌صورت غیر متوازن تقویت شد. صف‌های طولانی برای ثبت سفارش واردات، نه نشانه رونق اقتصادی، بلکه علامتی روشن از خطای قیمتی در سیاست‌ارزی و تخلیه منابع ارزی به دلیل سیاست غلط بانک مرکزی است. وقتی نرخ ارز از واقعیت بازار در واقعیت خارج شود، به‌ویژه صادرات و بازگشت از تشعیف می‌شود. نتیجه این سیاست، کاهش عرضه ارز در بازار آزاد و فشار صعودی بر قیمت‌هاست.

این کارشناس اقتصاد ترین دلایل بی‌ثباتی بازار ارز در تجارت خارجی در سایه اعمال کاری بانک مرکزی گفت: یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ساختاری بازار ارز کشور، استمرار وابستگی به تراستی‌های فعال در بازار درهم و عدم‌اصلاح سازوکار تجارت با چین است. با وجود آنکه بخش عمده واردات ایران از چین انجام می‌شود، بانک مرکزی به‌جای حرکت به سمت اجرای واقعی توقافات دوجانبه پولی با بانک مرکزی چین و تسویه مستقیم ریال با یوان، به دلایل متعدد و ذی‌نفعان بسیار در بازار درهم، به سمت تقویت کانال تراستی‌های یوآن – درهم برای حرکت کرد که این اقدام غلط و اشتباه، در نهایت با رسوب ۷میلیارد دلاری منابع در دست تراستی‌ها در پایان سال مالی و عدم‌امکان دسترسی بانک مرکزی به آن در این روزه‌ها، موجب تشدید وضعیت مخرب در بازار ارز کشور شده است.

وی در پایان گفت: یکی از ریشه‌های ترین دلایل بی‌ثباتی بازار ارز در کشور، وابستگی ساختاری تجارت خارجی به درهم امارات و شبکه‌ای از تراستی‌هاست که به‌عنوان واسطه میان ایران و شرکای تجاری، به‌ویژه چین عمل می‌کنند. این وابستگی که در سال‌های اخیر به جای کاهش، تقویت شده، عملاً بازار ارز کشور را به یک گلوگاه کهنه تبدیل کرده است؛ گلوگاهی که هر اختلال در آن، به سرعت خود را در افزایش قیمت ارز آزاد، تشدید انتظارات تورمی و فشار بر معیشت مردم نشان می‌دهد. در چنین شرایطی، کاهش وابستگی به درهم در تجارت خارجی، بلکه یک ضرورت برای کنترل بازار ارز و بازگرداندن ثبات به اقتصاد کشور است. از همین رو کاهش وابستگی به درهم در تجارت خارجی، راهکار کنترل بازار ارز در کشور است و تراستی‌ها باید دست‌شان از تجارت بین ایران و چین قطع شود.